



Narrative (Hadith) Teachings on Active Spousal Dialogue: A Religious–Psychological Model for Modern Life

Nabiollah Sadrifar¹  

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Payame Noor University, Tehran, Iran. Email: sadrifar@pnu.ac.ir

Article Info

Article type:

Reviwe Article

Article history:

Received: 8

September 2025

Revised: 16

October 2025

Accepted: 25 May
2026

Available online 10
June 2026

Keywords:

Family Dialogue,
Active Listening
Skill, Narrative
Teachings, Marital
Satisfaction, Family
Resilience,
Communication
Ethics, Mutual
Verbal Right.



ABSTRACT

In the modern lifestyle, characterized by rising individualism and the superficiality of virtual communication, family dynamics face significant relational challenges. This study explores "affectionate dialogue and active listening" as a fundamental Islamic solution to these crises, elucidating its role in strengthening familial bonds through a synthesis of religious narrative teachings and contemporary psychological principles. Adopting an interdisciplinary, analytical-comparative framework, this research draws on authentic Hadith sources alongside established findings in family psychology—specifically John Gottman's communication theories and Carl Rogers' humanistic perspective—to conduct a cross-disciplinary analysis. The findings indicate that Islamic narrative teachings elevate "active listening" from a mere psychological skill to a "mutual verbal right and obligation." While psychological frameworks prioritize the technical and empathetic functions of listening, religious texts—through concepts such as *Haqq al-Sam'* (the right to be heard), *Qawl-e-Ma'rūf* (kind speech), and *Qawl-e-Layyen* (gentle speech)—imbue communication with ontological and spiritual significance. This convergence suggests that effective dialogue is the product of integrating behavioral techniques (psychology) with ethical-spiritual intent (religion), with empathetic listening serving as a vital cornerstone in both systems of knowledge. The results of this research provide a theoretical foundation for a "Religious–Psychological Educational Model" designed to empower couples' communication. By synthesizing the ethical tenets of Islamic traditions with practical relational skills, this model can serve as an effective intervention in pre-marital counseling and family therapy clinics to reduce conflicts and foster resilience within the Iranian family structure.

Cite this article: Sadrifar, N. (2026). Narrative (Hadith) Teachings on Active Spousal Dialogue: A Religious–Psychological Model for Modern Life. *Islamic Social Studies*, 31(132), 91-113. <https://doi.org/10.30513/iss.2026.7444.1416>



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences.



آموزه‌های روایی در گفتگوی فعال زوجین؛ الگوی دینی روان‌شناختی در زندگی مدرن

نبی‌اله صدری فر^۱  

۱. نویسنده مسئول، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. رایانامه: sadrifar@pnu.ac.ir

چکیده

اطلاعات مقاله

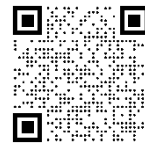
در سبک زندگی مدرن، با گسترش فردگرایی و ارتباطات مجازی سطحی، خانواده با چالش‌های ارتباطی متعددی مواجه است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی راهکار بنیادین اسلام برای مواجهه با این بحران، یعنی «گفتگو و شنیدن محبت‌آمیز»، جایگاه این مهارت در استحکام خانواده را بر پایه آموزه‌های روایی و روان‌شناسی معاصر تبیین می‌کند. این پژوهش به شیوه تحلیلی تطبیقی و با رویکردی میان‌رشته‌ای انجام شده است. داده‌های روایی از منابع معتبر حدیثی گردآوری شده و با یافته‌های پژوهش‌های روان‌شناسی خانواده (به ویژه نظریه‌های ارتباطی گاتمن و رویکرد انسان‌گرایانه راجرز) تطبیق و تحلیل گردیده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزه‌های روایی «شنیدن فعال» را از سطح یک مهارت روان‌شناختی به جایگاه یک «حق و تکلیف متقابل کلامی» ارتقا می‌دهند. درحالی‌که نظریه‌های روان‌شناختی بر کارکرد همدلانه و تکنیکی شنیدن تمرکز دارند، متون دینی با تکیه بر مفاهیمی چون «حق السمع»، «کلام نیکو» و «قول لَین»، به آن بُعدی وجودی و معنوی می‌بخشند. این هم‌گرایی نشان می‌دهد که گفتگوی مؤثر محصول تلفیق تکنیک‌های رفتاری (روان‌شناسی) و نیت اخلاقی ایمانی (دین) است و مصادیقی چون گوش سپردن همدلانه در هر دو دستگاه معرفتی مورد تأکید است. نتایج این پژوهش زمینه را برای طراحی یک «الگوی آموزشی دینی روان‌شناختی» جهت توانمندسازی ارتباطی زوجین فراهم می‌کند. این الگو که بر هم‌افزایی اصول اخلاقی روایات و مهارت‌های عملی استوار است، می‌تواند به عنوان مداخله‌ای مؤثر در مشاوره‌های پیش از ازدواج و کلینیک‌های خانواده‌درمانی برای کاهش تعارضات و تقویت تاب‌آوری خانواده ایرانی به کار گرفته شود.

نوع مقاله: ترویجی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۷
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۰۵
تاریخ انتشار برخط: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰

کلیدواژه‌ها:

گفتگوی خانوادگی، مهارت شنیدن فعال، آموزه‌های روایی، رضایت زناشویی، تاب‌آوری خانواده، اخلاق ارتباطی، حق متقابل کلامی.



استناد: صدری فر، نبی‌اله. (۱۴۰۵). آموزه‌های روایی در گفتگوی فعال زوجین؛ الگوی دینی روان‌شناختی در زندگی مدرن. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۳۱ (۱۳۲)، ۹۱-۱۱۳. <https://doi.org/10.30513/iss.2026.7444.1416>



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

مقدمه

خانواده در عصر مدرن، فراتر از یک نهاد زیستی اقتصادی، کانون اصلی رشد عاطفی، تربیتی، اخلاقی و معنوی اعضا به شمار می‌آید (Giddens, 1992, pp. 184-185). در این کانون، ارتباط کلامی سازنده و به‌ویژه «شنیدن فعال» ستون پایداری و استحکام روابط، به‌ویژه میان زوجین است (Watzlawick, Bavelas & Jackson, 1967, pp. 84-87). اهمیت این بُعد ارتباطی ریشه در دو حوزه دارد: از یک سو در ساختار روان‌شناختی انسان که تعامل گفتاری را بستر بیان و هم‌زیستی عاطفی می‌داند و از سوی دیگر، در سنت دینی که گفتگو و گوش‌سپاری را فضیلتی اخلاقی^۱ و تربیتی معرفی می‌کند. از نگاه روان‌شناسی، گفتگوهای محبت‌آمیز و مبتنی بر احترام نه تنها وسیله‌ای برای ابراز احساسات و نیازها هستند، بلکه سنگ بنای شکل‌گیری عزت نفس، هویت شخصی و امنیت روانی فرزندان را فراهم می‌کنند (Satir, 1972, pp. 20-27). بدین سان، هر واژه و هر تعامل کلامی می‌تواند پایه‌گذار رابطه‌ای سالم یا زمینه‌ساز چالشی ارتباطی در درون خانواده باشد.

با وجود تأکید صریح آموزه‌های اسلامی بر جلالت کلام نیکو^۲ و حُسن استماع^۳ (گوش دادن نیکو)، واقعیت زندگی معاصر نشان می‌دهد که بحران‌های ارتباطی درون خانوادگی به شدت در حال گسترش است. یافته‌های جامعه‌شناختی و روان‌شناسی خانواده بیان می‌کند که ضعف در مهارت‌های گفتگو و ناتوانی در «شنیدن همدلانه»^۴ یکی از عوامل اصلی کاهش سرمایه عاطفی، افت تاب‌آوری و افزایش طلاق عاطفی است (Gottman & Silver, 1999, pp. 157-174). در کنار آن،

۱. الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ؛ همان کسانی که سخن را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند. (زمر، ۱۸).

۲. الكلمة الطيبة صدقة؛ سخن نیکو صدقه است. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴، ص ۸۵).

۳. امام علی (ع): عَوِّذُ أَذُنِكَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ وَلَا تُصْغِ إِلَى مَا لَا يَزِيدُ فِي صَلَاحِكَ اسْتِمَاعُهُ فَإِنَّ ذَلِكَ يَصِدِّقُ الْقُلُوبَ وَيُوجِبُ الْمَدَامَ؛ گوش خود را به شنیدن خوبی‌ها عادت بده و به آنچه که به صلاح و درستی تو نمی‌افزاید، گوش مسپار؛ زیرا این کار دل‌ها را زنگار می‌زند و موجب سرزنش می‌شود. (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۴۵۸).

4. empathic listening.

شتاب زندگی زندگی شهری، فردگرایی افراطی و تسلط رسانه‌های نوین فرصت گفتگوی چهره‌به‌چهره و پیوند عاطفی در خانواده را محدود ساخته‌اند (Turkle, 2011, pp. 151-170). چنین وضعیتی ضرورت بازخوانی و احیای خردمندانه آموزه‌های اصیل روایی درباره گفتگوی زوجین را برای ارائه راهکارهای عملی جهت تقویت مهارت‌های ارتباطی دوچندان می‌سازد.

پرسش محوری پژوهش آن است که آیا و چگونه می‌توان از آموزه‌های روایی اسلامی در کنار دستاوردهای روان‌شناسی ارتباط، به الگویی بومی برای ارتقای کیفیت ارتباط و التیام گسست‌های عاطفی در خانواده دست یافت. این پژوهش با هدف «بازخوانی تطبیقی آموزه‌های روایی در باب گفتگوی زوجین و چالش‌های ارتباطی سبک زندگی مدرن» تدوین شده و در پی پاسخ به این پرسش‌هاست: ۱. آموزه‌های اسلامی چه اصولی برای اصلاح و ارتقای گفتگو میان زوجین ارائه می‌دهند؟ ۲. در روان‌شناسی خانواده، نقش گفتگوی محبت‌آمیز و شنیدن فعال در کاهش تعارض‌های زناشویی چیست؟ ۳. چالش‌های سبک زندگی معاصر در این زمینه کدام‌اند و چه راه‌حل‌هایی را می‌توان از تلفیق معرفت دینی و علوم رفتاری پیشنهاد کرد؟ هدف نهایی پژوهش، تبیین چارچوبی نظری کاربردی برای طراحی الگویی ارتباطی دینی‌روان‌شناختی است که زمینه تحکیم عاطفه، اخلاق گفتاری و تاب‌آوری خانواده را فراهم آورد.

در دهه‌های اخیر، تحولات فرهنگی، رسانه‌ای و ارزشی الگوی تعاملات خانوادگی را دگرگون ساخته است؛ به‌ویژه در خانواده‌های شهری که سرعت زندگی و گسترش فناوری‌های ارتباطی ظرفیت گفتگوهای عمیق و شنیدن فعال را کاهش داده‌اند. در چنین فضایی، پژوهش درباره ارتباط کلامی زوجین نه تنها از منظر روان‌شناختی، بلکه از دیدگاه دینی و تربیتی ضرورت می‌یابد. مرور پیشینه‌های نظری و تحلیلی مؤید آن است که اغلب مطالعات پیشین بر یکی از این دو بُعد تمرکز داشته‌اند و کمتر پژوهشی توانسته هر دو ساحت را در قالبی تلفیقی بررسی کند.

در نظریه کنش ارتباطی هابرماس،^۱ گفتگو کنشی زبانی برای دستیابی به تفاهم عقلانی است؛ گفتگویی که بر پایه صداقت، درک و احترام متقابل استوار است. زبان در این نگاه، ابزار انتقال صرف نیست، بلکه میدان شکل‌گیری کنش اجتماعی و تحول عاطفی محسوب می‌شود. در روان‌شناسی ارتباط، کارل راجرز^۲ «شنیدن فعال» را بنیادی‌ترین مهارت رابطه مؤثر می‌داند؛ فرایندی همدلانه برای بازتاب احساسات دیگری که اعتماد و آرامش ایجاد می‌کند. گاتمن^۳ نیز کیفیت ارتباط را مهم‌تر از کمیت آن دانسته و «چرخه احترام» را سپر حفظ روابط معرفی کرده است. مشترک این رویکردها باور به قدرت اخلاقی و رابطه‌ساز زبان در بازسازی پیوندهای انسانی است. این همان ایده‌ای است که در آموزه‌های اسلامی تحت عناوینی چون «کلام نیکو»^۴ و «قول سدید»^۵ تبلور یافته و گفتگو را نه صرفاً کنشی ارتباطی، بلکه بستری برای تحقق فضیلت اخلاقی می‌داند. از منظر آموزه‌های اسلامی، گفتگوی خردمندانه نشانه عقل^۶ و ایمان^۷ است و شنیدن آگاهانه مصداق ادب و بندگی^۸. بر همین مبنا گفتگو، شنیدن فعال و محبت زبانی سه رکن بنیادین روابط خانوادگی اند. گفتگو فرایندی دوسویه برای ایجاد درک متقابل و هم‌افزایی عاطفی است (Bohm, 1996, pp. 1-17) و در متون روایی، سنجیده سخن گفتن نشانه خردمندی دانسته شده است.^۹ شنیدن فعال به معنای توجه، همدلی و انعکاس

1. Habermas, 1984.

2. Rogers, 1951.

3. Gottman, 1999.

۴. از جمله وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا (بقره، ۸۳) و آیه قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أذى (بقره، ۲۶۳).

۵. وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ «و سخنی استوار (و درست) بگویید.» (احزاب، ۷۰).

۶. لِسَانُ الْعَاقِلِ وَرَاءَ قَلْبِهِ وَقَلْبُ الْأَخْمَقِ وَرَاءَ لِسَانِهِ؛ «زبان خردمند پشت قلب اوست و قلب نادان پشت زبان اوست.» (نهج البلاغه، حکمت ۴۰).

۷. لَا يَسْتَقِيمُ إِيْمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ؛ «ایمان هیچ بنده‌ای استوار نمی‌شود، مگر آنکه قلبش استوار شود. و قلبش استوار نمی‌شود، مگر آنکه زبانش استوار [و مستقیم] گردد.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۸، ص ۲۹).

۸. تَعَلَّمَ حُسْنَ الْإِسْتِمَاعِ كَمَا تَعَلَّمَ حُسْنَ الْقَوْلِ؛ «نیکو شنیدن را بیاموز، همان‌گونه که نیکو سخن گفتن را می‌آموزی.» (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۴۱).

۹. من دلائل العقل التطق بالضوابط؛ «از نشانه‌های خرد (عقل)، سخن درست (و به جا) گفتن است.» (نیمی آمدی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۸۲۳).

احساسات است. در منابع دینی، «حق السمع»^۱ از جمله وظایف اخلاقی به شمار می‌رود و از همین منظر، شنونده موظف است افزون بر متن گفتار، به کیفیت و لحن آن نیز توجه کند.^۲ محبت زبانی نیز یعنی ابراز عواطف مثبت از طریق کلام نیک، تحسین و پرهیز از گفتار خشونت‌آمیز^۳ که هم در نظریه «مخزن عاطفی» گاتمن و هم در سنت اسلامی، محور امنیت عاطفی دانسته شده است.

در منابع روایی، سخن نیک و ادب زبانی مورد تأکید قرار گرفته است. از جمله امام سجاد (ع) می‌فرماید:

وأما حق اللسان فأكرامه عن الخنى وتعويدة على الخير وحمله على الادب؛ «اما حق زبانت بر تو آن است که آن را از دشنام‌گویی گرامی‌تر داری و به گفتن کلمات خوب و نافع عادتش دهی و بر ادب وادارش کنی.» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۵۶).

در نتیجه، زبان و گوش در نگرش اسلامی دو ابزار تربیت دل و پاسداری از مودت‌اند.

در حوزه مطالعات خانواده، پژوهش‌های متعددی اهمیت الگوهای ارتباطی و مهارت‌های شنیداری را مورد واکاوی قرار داده‌اند. در زمینه مداخله و آموزش، محمودی و همکاران (۱۳۸۴) نشان دادند که آموزش‌های مبتنی بر تقویت «توجه شنیداری» می‌تواند به طور معنا داری موجب افزایش مهارت‌های گوش دادن فعال و بهبود الگوهای ارتباطی زوجین شود. همچنین رحیمی و یوسفی (۱۳۸۹) در بررسی الگوهای ارتباطی دریافتند که فضای «گفت‌وشنود» در خانواده پیش‌بینی‌کننده مثبت همدلی و خویش‌ن داری فرزندان است؛ در حالی که الگوی «هم‌نوایی» اثر

۱. وأما حق السمع فتنزيهه عن أن تجعله طريقا إلى قلبك إلا لفوهة كريمة تحدث في قلبك خيرا أو تكسب خلقا كريما فإنه باب الكلام إلى القلب يؤدي إليه ضروب المعاني على ما فيها من خير أو شر ولا قوة إلا بالله؛ «و اما حق گوش آن است که آن را پاک و منزّه بداری از اینکه وسیله‌ای به سوی دلت قرارش دهی، مگر برای سخنی شریف و پاک؛ سخنی که در دلت خیری پدید آورد یا خلّقی نیکو به تو بیخشد. زیرا گوش دروازه ورود گفتار به قلب است و انواع معناها را، با هر آنچه از خیر یا شر در آنهاست، به دل می‌رساند. و هیچ نیرو و توانی جز به خدا نیست.» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۲۵۷).

۲. وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي لَحْنِ الْقَوْلِ (محمد، ۳۰).

۳. فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْسَ لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ «پس با او (فرعون) سخنی نرم بگویند، شاید متذکر شود یا (از خدا) بترسد.» (طه، ۴۴).

معکوس دارد.

در تبیین چالش‌ها و مدل‌های اصلاحی، ساعی (۱۴۰۱) فقدان مهارت‌های ارتباطی و به رسمیت نشناختن هویت نسلی را از موانع اصلی گفتگوی میان‌نسلی برشمرد که به کاهش مشارکت و همدلی در خانواده می‌انجامد. درنهایت، شهنساریان و همکاران (۱۴۰۲) با ارائه الگویی بومی، مؤلفه‌هایی چون احترام، صمیمیت، روابط کلامی مستقیم و تکیه بر ارزش‌های دینی را به عنوان ارکان استحکام بخش پیوندهای خانوادگی معرفی کردند. برآیند این پژوهش‌ها نشان‌دهنده ضرورت انتقال از الگوهای ارتباطی سنتی یا گسسته به سمت الگوهای فعال، مهارتی و مبتنی بر ارزش‌های دینی است.

در مطالعات بین‌المللی، گاتمن (۲۰۱۱) و فاووز و اولسون (۲۰۱۰) نیز نتیجه گرفته‌اند که تعاملات کلامی مثبت ستون رابطه موفق است. با این حال، مرور پیشینه‌ها نشان می‌دهد که هنوز پژوهش جامع و نظام‌مندی که نقش تربیتی گفتگو و شنیدن فعال را با اتکای هم‌زمان بر متون دینی و تحلیل چالش‌های معاصر بررسی کند، انجام نشده است.

از این رو، هدف پژوهش حاضر ارائه تحلیلی تلفیقی از نقش تربیتی مهارت‌های ارتباطی زوجین بر پایه آموزه‌های اسلامی و علوم رفتاری است تا خلأ موجود میان دو حوزه دین و روان‌شناسی را پر کند. نوآوری کار در ترکیب داده‌های رفتاری و معرفتی و تبدیل توصیه‌های روایی به راهکارهای عملی آموزشی است. از سوی دیگر، تمرکز پژوهش بر مسائل ارتباطی زندگی مدرن همچون فردگرایی، فضای مجازی و کاهش گفتگوی حضوری، وجه تمایز دیگری است که آن را از آثار مشابه متمایز می‌سازد.

در مجموع، مباحث نظری پیش‌گفته حاکی از آن است که گفتگو و شنیدن فعال مفاهیمی چندبُعدی‌اند که هم در ادبیات روان‌شناختی و هم در آموزه‌های دینی واجد دلالت‌های ارتباطی، اخلاقی و تربیتی‌اند. این هم‌پوشانی مفهومی، زمینه مناسبی برای صورت‌بندی الگوی نظری مقاله فراهم می‌آورد؛ الگویی که در آن گفتار، گوش‌سپاری و ساحت عاطفی رابطه به مثابه اجزای یک منظومه ارتباطی واحد در نظر گرفته می‌شوند و می‌توانند در تبیین و تقویت پیوند عاطفی زوجین نقش‌آفرین

باشند.

روش‌شناسی پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف، ماهیتی کیفی تحلیلی و از نظر رویکرد، میان‌رشته‌ای و تطبیقی دارد. غرض از این مطالعه، تبیین و تحلیل آموزه‌های روایی درباره گفتگو و شنیدن فعال در روابط زوجین و مقایسه این آموزه‌ها با نظریه‌های روان‌شناسی ارتباطات است. از این رو، در فرایند پژوهش از دو منطق «مطالعه متنی» و «تحلیل مفهومی کارکردی» بهره گرفته شد.

جامعه و منابع داده‌ها بر سه سطح استوار است: در سطح نخست، متون دینی بنیادین همچون قرآن کریم، نهج البلاغه و مجموعه‌های حدیثی مبنای استخراج مفاهیم ارتباطی قرار گرفتند. سطح دوم، نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناختی است که در حوزه ارتباط زناشویی و شنیدن فعال جایگاه پیشرو دارند؛ همچون آرای راجرز (۱۹۵۱)، ساتیر (۱۹۷۲)، گاتمن (۲۰۱۱)، فاورز و اولسون (۲۰۱۰) و سایر منابع تجربی حوزه خانواده. سطح سوم به پژوهش‌های داخلی اختصاص یافت که مهارت گفتگو، تاب‌آوری خانوادگی و روابط کلامی را در زمینه فرهنگی جامعه ایران بررسی کرده‌اند.

گردآوری داده‌ها به روش «جستجوی هدفمند» انجام شد. بدین منظور، متون روایی با کلیدواژه‌های فارسی و معادل‌های عربی و ریشه‌های لغوی آنها (نظیر قول، کلام، استماع، صمت، مودت، زوج و معاشرت) بررسی شدند. روایت‌های شناسایی شده برحسب محتوای زبانی و تربیتی در سه محور مفهومی سازمان یافتند: گفتگوهای محبت‌آمیز، شنیدن فعال و محبت زبانی که معیار ورود آنها، صراحت یا دلالت مستقیم بر الگوی ارتباط کلامی میان زوجین بود.

برای تحلیل داده‌ها از روش «تحلیل مضمون» با رهیافتی ترکیبی (قیاسی استقرایی) بهره گرفته شد. در بخش استقرایی، کدهای تحلیلی اولیه مانند «احترام زبانی»، «گوش‌سپاری همدلانه» و «انتخاب کلام نرم» مستقیماً از دل متون روایی استخراج گردید. سپس در بخش قیاسی، این کدها در خوشه‌های مفهومی بزرگ‌تر نظیر «امنیت روانی» و «تاب‌آوری ارتباطی» ادغام و با چارچوب‌های نظری روان‌شناسی تطبیق داده شدند تا وجوه هم‌پوشی و تمایز میان دو دستگاه معرفتی روشن گردد.

به منظور اعتباربخشی به تحلیل‌ها، از روش بازسنجی مستمر مفاهیم با متون اصلی استفاده شد. فرایند تحلیل داده‌ها منجر به استخراج سه مضمون فراگیر گردید که مبنای یافته‌های پژوهش را تشکیل دادند: ۱. نقش گفتگوهای محبت‌آمیز زن در آرام‌سازی فضای خانواده؛ ۲. نقش ابراز محبت زبانی مرد در تأمین امنیت روانی همسر؛ ۳. اصول اخلاق شنیدن فعال به عنوان بنیان ارتباط متقابل در خانه. بدین ترتیب، این روش‌شناسی چارچوبی منسجم برای تلفیق منابع دینی و روان‌شناختی فراهم آورده و مسیر تحلیل داده‌ها و ارائه یافته‌های پژوهش را به روشنی ترسیم می‌کند.

۱. تحلیل تطبیقی آموزه‌های روایی و نظریه‌های ارتباطی

۱-۱. مبانی، منابع و ساختار

۱-۱-۱. تحلیل تطبیقی آموزه‌های اسلامی و نظریه‌های علمی درباره گفتگو و

شنیدن فعال زوجین

خانواده در منظومه اندیشه اسلامی تنها نهادی زیستی یا اجتماعی نیست، بلکه «اساس اجتماع انسانی» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۱۶) و نخستین بستر شکل‌گیری جامعه‌ای متعادل و الهی است. علامه طباطبایی در المیزان، ذیل تفسیر آیه «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹) رابطه زن و مرد را بنیاد تکوین جامعه دانسته و تصریح می‌کند که توازن در معاشرت خانوادگی ضامن بازگشت جامعه به فطرت الهی است؛ زیرا «معروف» در قرآن همان عرف نیک و رفتار فطری‌ای است که عدالت و رحمت را در روابط انسانی پایدار می‌سازد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۵۵). بر این اساس، خانواده سالم آئینه کوچک جامعه موحد است؛ جامعه‌ای که در آن کرامت، تعاون و گفتگو نه قراردادی اجتماعی، بلکه تجلی ایمان و شعور توحیدی در زیست روزانه انسان است.

در چنین نگاهی، گفتگو در خانواده صرفاً ابزار تبادل اطلاعات نیست، بلکه رخدادی هستی‌شناختی است؛ زیرا کیفیت تعامل زبانی انسان با دیگری جلوه‌ای از نسبت او با خداوند و میزان حضور اخلاق توحیدی در حیات فردی است. ازاین‌رو،

کلام و گوش دادن آمیخته با محبت و احترام اگر در مسیر خیر و رضای الهی سامان یابد، خود سلوکی عبادی و راهی برای تعالی روحی خواهد بود.

در روزگار معاصر، که شتاب تحولات فشارهای روانی و گسست روابط چهره به چهره اصل گفتگو را تهدید می‌کند، بازگشت به معنا و شیوه شنیدن ضرورتی اخلاقی و روانی است. یافته‌های پژوهش حاضر با تحلیل متون روایی و سیره نبوی در کنار نظریه‌های راجرز، گاتمن و سایر روان‌شناسان خانواده نشان می‌دهد که ارتباط زبانی میان زوجین سه بُعد درهم تنیده دارد:

۱. **بعد دینی اخلاقی:** گفتار به منزله عبادت؛^۱ زبان و گوش ابزار تعالی روح^۲ و جلب رضای الهی‌اند.

۲. **بعد روان‌شناختی:** گفتار به عنوان تنظیم‌کننده هیجان؛ کلام نرم و شنیدن همدلانه تنش را می‌کاهد و آرامش می‌آفریند.

۳. **بعد اجتماعی:** گفتار به مثابه بازتولید هویت خانوادگی؛ گفتگوی مثبت بنیان اعتماد، تفاهم و انسجام نسلی است. قرآن کریم با تأکید بر «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹) و «فَأَمْسَاكَ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيعٍ بِإِحْسَانٍ» (بقره، ۲۲۹)، رفتار نیکو و شایسته را در تمام مراحل زندگی مشترک ضروری می‌داند. این دو آیه تأکید می‌کنند که حتی در تعارض‌های خانوادگی نیز باید ادب، نرمی و احترام کلام حفظ شود. علامه طباطبایی در تفسیر همین آیات تصریح می‌کند که «معروف» صرف ضابطه فقهی نیست، بلکه روح اخلاقی روابط زناشویی است؛ دینی که بنیان آن بر حفظ کرامت و آرامش متقابل زن و شوهر است (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۳۳).

این آموزه قرآنی به مفهومی مشابه در روان‌شناسی خانواده می‌رسد که گاتمن آن را «چرخه احترام»^۳ می‌نامد: الگویی ارتباطی که بر زبان مثبت و بازخورد محبت‌آمیز استوار است و اساس تداوم رابطه زناشویی به شمار می‌آید.

در جمع‌بندی، گفتار نیک و شنیدن همدلانه حلقه اتصال دو منظومه اند: دین

۱. مَا يَلْفُظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ (ق، ۱۸).

۲. لَا يَسْتَقِيمُ إِيمَانٌ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ، وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۸، ص ۲۸۷).

که گفتار را ابزار رشد اخلاقی و سعادت اخروی^۱ می‌داند، و علم که آن را کلید سلامت روان و رضایت عاطفی معرفی می‌کند. تلفیق این دو چشم‌انداز نشان می‌دهد که زبان در ساخت خانواده مؤمن نه صرفاً ابزار ارتباط، بلکه صورت‌گفتاری ایمان و پایه ارتباط معنوی، روانی و اجتماعی است؛ پیوندی که تعادل میان عقل، عاطفه و عمل را پاس می‌دارد.

۱-۲. گفتگو و شنیدن در متون روایی بنیان هستی‌شناسانه ارتباط خانوادگی

آموزه‌های اسلامی گفتگو را کنشی عبادی و آگاهانه می‌دانند. در نگاه قرآن، سخن گفتن فعلی اختیاری است که بار اخلاقی دارد: وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ؛ «و به بندگانم بگو: سخنی را بگویند که بهترین (و نیکوترین) است.» (اسراء، ۵۳). تعبیری نظیر «قول معروف»^۲، «کلمه طيبة»^۳ و «قول سدید»^۴ بر این دلالت دارد که سخن باید در جهت خیر و استحکام روابط انسانی باشد. این فرمان پیشاپیش به سازوکار خودنظارتی گفتار اشاره دارد؛ همان فرایند شناختی که در روان‌شناسی معاصر در قالب مفهوم خودتنظیمی هیجانی^۵ و گفتاری^۶ تبیین شده است.

از درون این پیش‌فرض، مفهوم «گفتگوی مؤمنانه» استخراج می‌شود؛ یعنی گفتاری که غایت آن آرامش دیگری و تجلی ایمان است. در روایات نبوی، گفتگو با همسر به مثابه عبادت^۷ معرفی شده است. پیامبر (ص) می‌فرماید: «کلام المرء لزوج حَقٌّ و صدقة» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۲۱۵). این برداشت نه تنها شأن زن را از «مخاطب» به «شریک کلام» ارتقا می‌دهد، بلکه نشان می‌دهد گفتار نیک در خانه

۱. وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ (ملک، ۱۰).
۲. وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (بقره، ۲۳۵)؛ قَوْلٌ مَعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ (بقره، ۲۶۳)؛ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء، ۵)؛ فَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (نساء، ۸)؛ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا (احزاب، ۳۲)؛ طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَعْرُوفٌ (محمد، ۲۱).
۳. أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ (ابراهيم، ۲۴).
۴. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (احزاب، ۷۰).
۵. خودتنظیمی هیجانی یعنی فرد بتواند واکنش‌های احساسی خود را نسبت به محرک‌های بیرونی (مانند رفتار همسر) مدیریت کند. این به معنای سرکوب احساسات نیست، بلکه به معنای تعدیل آنهاست.
۶. خودتنظیمی گفتاری یا کلامی، توانایی نظارت بر خروجی زبان و مدیریت محتوا، لحن و زمان سخن گفتن است. این مهارت در واقع «فیلتر» بین فکر و زبان است.
۷. جُلُوسُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ اِغْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي (وَرَمَازَنُ أَبِي فَرَّاسٍ، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۲۲).

معادل «کنش دینی» است.

از چنین منظری، کیفیت و غنای اخلاقی گفتگو بر کمیت آن تقدم دارد. خانواده‌ای که در آن گفتگو با مؤلفه‌هایی چون احترام، انصاف و گوش‌سپاری فعال همراه است، در واقع ایمان را از سطح یک باور ذهنی به یک کنش اجتماعی و اخلاقی ارتقا داده است. یافته‌های پژوهش سلطانی و حسنوند (۱۴۰۱) مؤید این دیدگاه است. نتایج تحقیق آنها نشان داد که آموزش «مهارت‌های کلامی آمیخته به معنویت اسلامی» تأثیر معناداری بر افزایش رضایت زناشویی و بهبود مؤلفه‌هایی همچون ارتباط کلامی و حل تعارض دارد. این داده‌های تجربی نشان می‌دهد که تلفیق مهارت‌های ارتباطی روان‌شناختی با آموزه‌های اخلاقی کلامی در اسلام نه تنها پایداری رابطه را تضمین می‌کند، بلکه با ایجاد درک متقابل و پذیرش تفاوت‌ها، بستر سازنده‌ای برای حل تعارضات بدون سرزنشگری فراهم می‌سازد. این همسویی میان یافته‌های میدانی و آموزه‌های وحیانی گویای آن است که «کلام نیکو» و ابراز محبت‌آمیز آن، چنان‌که در روایات نبوی بر آن تأکید شده، پایداترین ابزار برای صیانت از پیوند عاطفی زوجین در مواجهه با چالش‌های زندگی مدرن است.

۱-۳. ساختار زبان در قرآن و کارکرد تربیتی آن در خانواده

از منظر زبان‌شناسی قرآنی، واژه «قول» در ۱۷۱ موضع آمده و اغلب با صفت‌های ارزشی همراه است: قولاً معروفاً، قولاً کریماً، قولاً میسوراً. تحلیل معنایی این ترکیب‌ها نشان می‌دهد قرآن سه سطح برای گفتار قائل است: زیبایی، درستی و نفع اجتماعی. این الگو با نظریه «کنش گفتاری» آستین^۱ همخوان است؛ یعنی سخن تأثیر بیرونی دارد. در خانواده، هر کلام زیبا نوعی «کنش ترمیمی»^۲ محسوب می‌شود که پس از دلخوری، رابطه را بازسازی می‌کند.

از سوی دیگر، قرآن فعل «گفتن» را همسنگ فعل «عمل» می‌داند: «كَبُرَ مُقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۳). بدین ترتیب، زبان ابزار مسئولیت اخلاقی است. این پیوند مفهوم گفتار-عمل در روان‌شناسی مدرن با نظریه انسجام همخوانی دارد:

1. Austin, 1962

2. repair act

انحراف میان گفتار و کنش عامل اصلی نارضایتی روانی شمرده می‌شود (Festinger, 1957, pp. 1-31). از این منظر، توصیه اسلامی به گفتار صادقانه در خانه نه فقط توصیه اخلاقی، بلکه راهکار پیشگیری از «ناسازگاری شناختی» است.

۲-۱. فرآیندها و پویایی‌های رفتاری

۱-۲-۱. گوش‌سپاری و احترام متقابل: پیوند آموزه‌های اسلامی با شنیدن فعال

این بخش ناظر به یکی از بنیادی‌ترین ابعاد ارتباط زناشویی، یعنی مهارت شنیدن است. در ادبیات دینی، «اصغاء» صرفاً به معنای دریافت صوتی نیست، بلکه دلالتی فراتر از شنیدن فیزیولوژیک دارد و به نوعی توجه، پذیرش و گوش‌دگی روانی در برابر سخن دیگری اشاره می‌کند. در همین چارچوب، امام جواد (ع) می‌فرماید: «مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَّدَهُ...» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۶، ص ۴۳۴). هرچند این روایت مستقیماً درباره رابطه زوجین وارد نشده است، در این پژوهش به عنوان قاعده‌ای عام درباره کیفیت شنیدن و اثرپذیری انسان از کلام دیگری در سطح ارتباط زناشویی مورد تطبیق قرار گرفته است. بر این اساس، اصغاء را می‌توان گونه‌ای از توجه آگاهانه و اعتنا به دیگری دانست که در روابط همسران به شکل‌گیری احساس احترام، درک متقابل و کاهش تنش کمک می‌کند.

این برداشت با برخی مفاهیم روان‌شناسی ارتباط نیز هم‌پوشانی دارد. در رویکرد انسان‌گرای راجرز، گوش دادن همدلانه یکی از ارکان رابطه یاریگرانه و زمینه‌ساز امنیت روانی در تعامل انسانی تلقی می‌شود (Rogers, 1951, pp. 19-64). همچنین در برخی مطالعات تجربی گزارش شده است که تعامل‌های مبتنی بر شنیدن فعال می‌توانند با کاهش تنش فیزیولوژیک و افزایش احساس صمیمیت در زوجین همراه باشند (Ditzen et al., 2009, pp. 728-731). از این منظر، می‌توان میان تأکید دینی بر «اصغاء» و مفهوم روان‌شناختی «گوش دادن همدلانه» نوعی هم‌پوشانی کارکردی مشاهده کرد؛ هرچند این دو، از دو دستگاه معرفتی متفاوت برمی‌خیزند و نباید یکسان انگاشته شوند.

نکته مهم دیگر آن است که در منطق دینی، شنیدن درست همواره در پیوند با زمان، موقعیت و مسئولیت ارتباطی معنا می‌یابد. از همین رو، سکوت نیز همواره

فضیلت تلقی نمی‌شود و در برخی موقعیت‌ها می‌تواند به سوءفهم، فاصله عاطفی و فرسایش رابطه بینجامد. امیرالمؤمنین (ع) می‌فرمایند: «لَا خَيْرَ فِي الصَّمْتِ عَنِ الْحُكْمِ كَمَا أَنَّهُ لَا خَيْرَ فِي الْقَوْلِ بِالْجَهْلِ» (نهج البلاغه، حکمت ۱۸۲). این مضمون در سطحی تطبیقی با برخی تحلیل‌های جدید درباره «سکوت خصمانه» و کارکرد منفی خاموشی در روابط نزدیک قابل مقایسه است (Knoll & van Dick, 2013, pp. 345-362). بنابراین در الگوی دینی ارتباط، شنیدن فعال نه به معنای انفعال، بلکه به معنای حضوری آگاهانه، پاسخ‌پذیر و اخلاقمند در برابر سخن دیگری است.

۲-۲-۱. گفتار عاطفی و مسئولیت متقابل در تولید امنیت روانی

بخش دیگری از داده‌های این پژوهش به نقش گفتار عاطفی در ایجاد امنیت روانی در روابط زوجین مربوط است. در متون دینی، کیفیت سخن گفتن ازجمله مؤلفه‌های مهم حسن معاشرت شمرده شده است. قرآن کریم در دعوتی عام به مؤمنان می‌فرماید: «وَقُلْ لِّلْعِبَادِ يُقُولُوا اللّٰتِي هِيَ اَحْسَنُ» (اسراء، ۵۳). اگرچه این آیه مستقیماً ناظر به رابطه همسران نیست، اما در این پژوهش به مثابه اصلی هنجاری درباره گزینش گفتار نیکو و پرهیز از کلام آسیب‌زا در حوزه ارتباط زناشویی مورد استفاده قرار گرفته است. بر همین اساس، گفتار عاطفی را می‌توان یکی از مصادیق عملی کلام احسن دانست؛ گفتاری که نه تنها انتقال‌دهنده معنا، بلکه حامل احترام، آرامش و پذیرش نیز هست.

در سنت نبوی نیز اصل نیک‌رفتاری با خانواده جایگاهی برجسته دارد. روایت مشهور خَيْرَكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ؛ «بهترین شما کسی است که برای خانواده‌اش (همسر و اهل خانه‌اش) بهتر باشد.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۷۱) نشان می‌دهد کیفیت رفتار و گفتار با اهل خانه از شاخص‌های مهم فضیلت اخلاقی در زندگی دینی است. هرچند این روایت به صورت مستقیم درباره «ابراز محبت زبانی» سخن نمی‌گوید، دلالت آن بر حسن معاشرت و تکریم عاطفی خانواده زمینه‌ای مناسب برای تحلیل نقش زبان در تقویت پیوند زناشویی فراهم می‌آورد. در همین راستا، ادبیات روان‌شناسی خانواده نیز نشان داده است که کلام حمایتگر، تأییدکننده و فاقد سرزنش در افزایش رضایت زناشویی و کاهش فرسایش عاطفی نقش مؤثر دارد.

(Gottman & Silver, 1999, pp. 157-174).

در پژوهش‌های داخلی نیز نتایج مشابهی گزارش شده است. برخی مطالعات انجام‌شده در زمینه خانواده در ایران نشان داده‌اند که کیفیت تعامل کلامی و دریافت حمایت عاطفی ازسوی همسر، با رضایت زناشویی و احساس امنیت روانی رابطه‌ای مثبت دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش پاک‌خصال و همکاران (۱۳۹۹) نیز همسوست که نشان دادند کاهش حمایت عاطفی و افت رضایت زناشویی با افزایش گرایش به شبکه‌های اجتماعی و تشدید احساس تنهایی ارتباط دارد. این اهمیت «ابراز محبت کلامی» در منابع دینی نیز مورد تأکید قرار گرفته است؛ چنان‌که در حدیث آمده است: «سخنِ مرد به همسرش که «من تو را دوست دارم»، هرگز از دل او بیرون نمی‌رود»^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۶۹). بر این اساس، می‌توان گفت گفتار عاطفی در زندگی زناشویی صرفاً یک رفتار پسندیده نیست، بلکه عنصری کارکردی در تنظیم رابطه، کاهش تنش و بازتولید امنیت روانی در خانواده به شمار می‌آید.

۲-۳. تحلیل روان‌شناختی هم‌گرایی دین و علم در «گفتگوی محبت‌آمیز»

تحلیل مفهومی داده‌های دینی و مقایسه آنها با ادبیات روان‌شناختی نشان می‌دهد که میان این دو حوزه در مسئله گفتگوی محبت‌آمیز، نوعی هم‌گرایی کارکردی قابل مشاهده است. در الگوی دینی، گفتگو زمانی ارزشمند تلقی می‌شود که با نرمی، احترام، پرهیز از تحقیر و توجه به کرامت مخاطب همراه باشد. ازسوی دیگر، در روان‌شناسی ارتباط و نظریه‌های مربوط به دلبستگی، پاسخ‌دهی هیجانی حمایتگر و زبان عاری از سرزنش، از عوامل مهم در شکل‌گیری امنیت عاطفی و تداوم پیوند زوجین دانسته می‌شود (Bowlby, 1969, pp. 177-223). در هر دو دستگاه، زبان صرفاً ابزار انتقال پیام نیست، بلکه واسطه‌ای برای تولید یا تضعیف احساس امنیت در رابطه است.

در این چارچوب، می‌توان گفت یکی از نقاط تلاقی دین و روان‌شناسی خانواده تأکید بر نقش زبان در افزایش همدلی و کاهش تنش است. گاتمن و سیلور (۱۹۹۹)

۱. قَوْلُ الرَّجُلِ لِمَرْأَةٍ إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا.

نشان داده‌اند که پایداری رابطه زوجین تا حد زیادی به نسبت تعاملات مثبت در برابر تعاملات منفی وابسته است. این یافته با تأکید دینی بر انتخاب کلام نیکو، رعایت ادب در گفتار و حفظ حرمت دیگری قابل مقایسه است. البته این مقایسه به معنای یکسان بودن مبانی نظری دو حوزه نیست؛ زیرا روان‌شناسی عمدتاً در افق سلامت، رضایت و بهزیستی سخن می‌گوید، درحالی‌که دین علاوه بر این کارکردها، گفتگو را در نسبت با مسئولیت اخلاقی و رشد معنوی انسان نیز معنا می‌کند.

از همین منظر، گفتگوی محبت‌آمیز در الگوی اسلامی نه فقط یک مهارت ارتباطی، بلکه بخشی از اخلاق زیستن با دیگری است. این ویژگی سبب می‌شود که تحلیل دینی به جای تقلیل رابطه به سطح کارکرد روانی، افق غایی‌تری برای آن ترسیم کند. با وجود این تفاوت، هم‌پوشانی موجود میان دو حوزه نشان می‌دهد که آموزه‌های دینی درباره گفتار نیکو، شنیدن آگاهانه و حسن معاشرت، ظرفیت آن را دارند که در زبان روان‌شناسی معاصر بازخوانی شوند و در آموزش مهارت‌های ارتباطی خانواده به کار روند. بنابراین، هم‌گرایی دین و علم در این حوزه را باید نه به صورت همسان‌انگاری کامل، بلکه به مثابه نوعی تقارن در کارکردها و تفاوت در مبانی و غایات فهم کرد.

۳-۱. بافتار، آسیب‌شناسی و نظام‌سازی

۱-۳-۱. ابعاد جامعه‌شناختی گفتگوی خانوادگی

در بُعد اجتماعی، گفتگوی خانوادگی را می‌توان یکی از سازوکارهای مهم شکل‌گیری و بازتولید انسجام درون خانوادگی دانست. خانواده صرفاً محل همزیستی زیستی یا اقتصادی نیست، بلکه بستری برای اجتماعی شدن، انتقال هنجارها و درونی‌سازی الگوهای عاطفی و رفتاری نیز به شمار می‌آید. از این منظر، گفتگوی روزمره در خانواده فقط وسیله انتقال پیام نیست، بلکه کنشی رابطه‌ساز است که احساس تعلق، اعتماد متقابل و هماهنگی رفتاری را در میان اعضا تقویت می‌کند. در خوانش اسلامی نیز استحکام خانواده تنها بر ساختار حقوقی و نقش‌های رسمی استوار نیست، بلکه معاشرت نیکو، محبت و تعامل کلامی شایسته از عناصر اساسی پایداری آن محسوب می‌شوند. بر این اساس، گفتگو در خانواده را

می‌توان بخشی از اخلاق اجتماعی زیست خانوادگی دانست؛ اخلاقی که در سطح خُرد، همبستگی و پیوند عاطفی اعضا را تقویت می‌کند و در سطحی گسترده‌تر، زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط سالم اجتماعی می‌شود.

برخی پژوهش‌های داخلی نیز نشان داده‌اند که افزایش ارتباط کلامی و گفتگوی روزمره در خانواده با احساس تعلق بیشتر، اعتماد درون خانوادگی و کاهش فاصله عاطفی میان اعضا رابطه دارد. این یافته‌ها هرچند عمدتاً در سطح همبستگی قابل تبیین‌اند، با این برداشت همسو هستند که ارتباط زنده و متقابل در محیط خانواده یکی از زیرساخت‌های مهم انسجام اجتماعی است.

در این چارچوب، توصیه قرآنی «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا» (بقره، ۸۳) هرچند مستقیماً ناظر به گفتگوی خانوادگی نیست، می‌تواند به عنوان اصلی اخلاقی برای تنظیم گفتار نیکو در روابط انسانی، از جمله در محیط خانواده، مورد استفاده تحلیلی قرار گیرد. بر مبنای این اصل، کیفیت سخن گفتن نه فقط امری فردی، بلکه عنصری اثرگذار در شکل‌گیری سرمایه عاطفی و اخلاق ارتباطی خانواده است.

۱-۳-۲. گفتگو در برابر ارتباط مجازی و بحران سکوت مدرن

در جهان امروز، گسترش رسانه‌های دیجیتال در بسیاری از موارد با افزایش ارتباطات سریع و سطحی همراه بوده و در برخی زمینه‌ها از فرصت گفتگوی عمیق و چهره‌به‌چهره کاسته است. ترکل این وضعیت را با تعبیر «تنهایی در کنار هم بودن» توصیف می‌کند (Turkle, 2011, pp. 151-170). این تعبیر ناظر به وضعیتی است که در آن، حضور هم‌زمان افراد در یک فضای مشترک لزوماً به معنای شکل‌گیری ارتباط عاطفی و گفتگوی واقعی نیست.

در همین راستا، یافته‌های برخی پژوهش‌های داخلی در جامعه شهری ایران نیز نشان می‌دهد که استفاده فزاینده از شبکه‌های اجتماعی مجازی می‌تواند با کاهش حمایت عاطفی و افت رضایت زناشویی همراه باشد. برای نمونه، پاک‌خصال و همکاران (۱۳۹۹) گزارش کرده‌اند که میان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی، احساس تنهایی، حمایت ادراک‌شده و رضایت زناشویی در میان زوجین رابطه معنادار وجود دارد. این یافته‌ها نشان می‌دهد که پناه بردن افراطی به فضای مجازی

در برخی موارد با کاهش ارتباطات کلامی و عاطفی همسران و افزایش فاصله روانی میان آنان همراه می‌شود.

از منظر دینی نیز کیفیت ارتباط کلامی و نحوه شنیدن سخن دیگری واجد اهمیت اخلاقی است. قرآن کریم از یک سو به گفتار نیکوتر فرا می‌خواند: وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (اسراء، ۵۳) و از سوی دیگر، شنیدن سنجیده و گزینش بهترین سخن را از ویژگی‌های اهل هدایت می‌شمارد: الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ (زمر، ۱۸).

بر این اساس، در چارچوب تحلیلی این پژوهش می‌توان گفت که آموزه‌های دینی ناظر به گفتار نیکو و شنیدن مسئولانه ظرفیتی فرهنگی اخلاقی برای تقویت گفتگوی زوجین در برابر پیامدهای ارتباطات سطحی فضای دیجیتال فراهم می‌کنند. از این منظر، بازخوانی این تعالیم و ترجمه آنها به زبان مهارت‌های ارتباطی می‌تواند به عنوان یکی از راهبردهای فرهنگی تقویت پیوند عاطفی در خانواده مورد توجه قرار گیرد.

۳-۳-۱. گفتگوی مؤمنانه به مثابه نظام حقوق ارتباطی

جمع‌بندی تحلیلی این پژوهش نشان می‌دهد که در منطق اخلاقی و تربیتی اسلام، گفتگو در خانواده را نمی‌توان صرفاً توصیه‌ای اخلاقی دانست، بلکه می‌توان آن را از اقتضائات متقابل معاشرت نیکو، کرامت انسانی و مسئولیت ارتباطی میان زوجین به شمار آورد. بر این اساس، برخورداری از گفتار محترمانه، شنیده شدن در فضایی امن و پرهیز از طرد کلامی را می‌توان در زمره حقوق ارتباطی غیرمادی زوجین تحلیل کرد؛ حقوقی که هرچند در قالب حقوق مالی و الزامات فقهی مصطلح صورت‌بندی نشده‌اند، در حفظ سلامت عاطفی و پایداری رابطه خانوادگی نقش مهمی دارند.

این برداشت با برخی مبانی اسلامی در باب معاشرت نیکو و گفتار شایسته نیز همسوست. قرآن کریم برگفتار نیکوتر تأکید می‌کند: وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ (اسراء، ۵۳) و در توصیف اهل هدایت نیز به کیفیت شنیدن و انتخاب احسن اشاره دارد: الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ (زمر، ۱۸).

همچنین در سنت روایی، نیکویی در معاشرت با خانواده و توجه به آثار تربیتی و اخلاقی گفتار جایگاهی برجسته دارد. از این منظر، گفتگوی مؤمنانه را می‌توان بخشی از عدالت ارتباطی در خانواده دانست؛ عدالتی^۱ که در آن، هیچ‌یک از طرفین نباید از حق سخن گفتن، شنیده شدن و برخورداری از کلام محترمانه محروم بماند. در پیوند با یافته‌های روان‌شناختی و اجتماعی نیز می‌توان گفت که این حقوق ارتباطی صرفاً ارزش‌هایی انتزاعی نیستند، بلکه در عمل با احساس امنیت روانی، کاهش فاصله عاطفی و افزایش رضایت زناشویی ارتباط دارند. بنابراین، بازخوانی گفتگو در چارچوب «حقوق ارتباطی» می‌تواند امکان تازه‌ای برای فهم میان‌رشته‌ای خانواده فراهم آورد؛ امکانی که در آن، اخلاق دینی، سلامت روان و پایداری اجتماعی خانواده در یک افق تحلیلی مشترک قرار می‌گیرند.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با رویکردی تحلیلی، تطبیقی و میان‌رشته‌ای کوشید نسبت میان آموزه‌های اسلامی درباره گفتگو و شنیدن با برخی مفاهیم مطرح در روان‌شناسی خانواده و مطالعات ارتباطی را بررسی کند. بر اساس تحلیل انجام شده، می‌توان گفت در متون دینی، گفتگو در روابط خانوادگی صرفاً وسیله‌ای برای انتقال پیام نیست، بلکه با مفاهیمی چون کرامت انسانی، حسن معاشرت، مسئولیت متقابل و مراقبت اخلاقی پیوند دارد. در همین چارچوب، کیفیت سخن گفتن، نحوه شنیدن، پرهیز از خشونت کلامی و توجه به نیاز عاطفی طرف مقابل بخشی از سامان اخلاقی و ارتباطی خانواده تلقی می‌شود.

یافته‌های تطبیقی این پژوهش نشان می‌دهد که میان برخی تأکیدهای دینی درباره گفتار نیک، شنیدن سنجیده، مدارا، رحمت و حفظ حرمت رابطه، با پاره‌ای از یافته‌های روان‌شناسی خانواده درباره نقش گفتگوی حمایتی، شنیدن فعال، تنظیم هیجان، کاهش تعارض و تقویت صمیمیت زناشویی، نوعی هم‌پوشانی

۱. وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَى؛ «و هنگامی که سخن گوید، عدالت ورزید؛ هرچند درباره خویشان باشد.» (انعام، ۱۵۲).

کارکردی وجود دارد. مقصود از این هم‌پوشانی آن نیست که زبان دین و زبان علم یکسان‌اند یا از مبانی معرفتی مشترک و یکدستی برخوردارند، بلکه مراد آن است که هر دو حوزه با دستگاه مفهومی خاص خود به اهمیت ارتباط محترمانه، توجه عاطفی و پاسخ‌گویی متقابل در پایداری روابط خانوادگی توجه نشان می‌دهند.

در این میان، یکی از نکات مهم آن است که متون دینی مورد بررسی افزون بر توصیه به اصل گفتگو، بر کیفیت اخلاقی ارتباط نیز تأکید دارند؛ یعنی سخن باید تا حد امکان نیک، سنجیده، آرام، محترمانه و دور از تحقیر و آسیب باشد، و شنیدن نیز صرفاً دریافت صدا نیست، بلکه نوعی التفات، تأمل و پاسخ‌گویی مسئولانه را در بر می‌گیرد. این تأکیدها در سطح تحلیلی می‌تواند با مفاهیمی مانند گوش‌سپاری فعال، همدلی، اعتباربخشی عاطفی و کاهش الگوهای ارتباطی مخرب مقایسه شود. از این منظر، گفتگوی محبت‌آمیز را می‌توان یکی از مؤلفه‌های مهم در تقویت احساس امنیت روانی، اعتماد متقابل و انسجام عاطفی در خانواده دانست.

همچنین، بررسی تطبیقی حاضر نشان داد که در شرایطی که گسترش ارتباطات دیجیتال و استفاده روزافزون از شبکه‌های اجتماعی در برخی موقعیت‌ها با کاهش تعاملات عمیق چهره‌به‌چهره، افت تمرکز ارتباطی یا تضعیف حمایت عاطفی همراه می‌شود، بازخوانی ظرفیت‌های اخلاقی و ارتباطی موجود در آموزه‌های دینی می‌تواند از حیث نظری و فرهنگی قابل توجه باشد. البته این نکته به معنای نفی کلی فناوری‌های ارتباطی یا نسبت دادن مستقیم همه آسیب‌های خانوادگی به فضای مجازی نیست، بلکه فقط بر این دلالت دارد که در کنار بهره‌گیری از امکانات رسانه‌ای، حفظ و تقویت گفتگوی حضوری، شنیدن متقابل و ارتباط عاطفی مستقیم در خانواده همچنان اهمیت بنیادی دارد.

بر پایه این تحلیل، می‌توان پیشنهاد کرد که مجموعه مفاهیم بررسی شده در این پژوهش در قالب یک چارچوب مفهومی ارتباط معنوی روانی در خانواده صورت‌بندی شود. این چارچوب، دست‌کم از سه بُعد به هم پیوسته تشکیل می‌شود:

۱. بُعد معنوی اخلاقی، شامل کرامت، حسن معاشرت، رحمت، مدارا، گفتار نیک

و پرهیز از آزار کلامی؛

۲. بُعد ارتباطی، شامل گفتگوی دوطرفه، شنیدن فعال، پاسخ‌گویی، احترام متقابل و مدیریت تعارض؛

۳. بُعد روانی‌رفتاری، شامل احساس امنیت، صمیمیت، اعتماد، تنظیم هیجان و کاهش تنش در روابط خانوادگی.

این چارچوب بیش از آنکه یک مدل تجربی نهایی باشد، نوعی صورت‌بندی مفهومی برای فهم پیوند میان لایه‌های معنوی، ارتباطی و روان‌شناختی در روابط خانوادگی است و می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های بعدی قرار گیرد.

در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که آموزه‌های اسلامی مرتبط با گفتار، شنیدن، مدارا و حرمت رابطه از ظرفیت قابل‌توجهی برای تحلیل ارتباط خانوادگی برخوردارند و در خوانشی میان‌رشته‌ای، می‌توان آن‌ها را در کنار برخی مفاهیم روان‌شناسی خانواده و مطالعات ارتباطی مورد بررسی قرار داد. اهمیت این ظرفیت به‌ویژه در زمانه‌ای بیشتر آشکار می‌شود که روابط خانوادگی علاوه بر مسائل ساختاری و اقتصادی، با چالش‌های ارتباطی و عاطفی نیز مواجه‌اند. در چنین زمینه‌ای، تأکید بر گفتگوی محبت‌آمیز و شنیدن مسئولانه می‌تواند به عنوان بخشی از منابع اخلاقی و فرهنگی تقویت‌کننده روابط خانوادگی فهم شود.

با این‌همه، باید توجه داشت که نتایج این پژوهش ناظر به یک تحلیل مفهومی و تطبیقی است و نه آزمون تجربی مستقیم. از این رو، سنجش تجربی این چارچوب نیازمند مطالعات بعدی از جمله پژوهش‌های پیمایشی، مصاحبه‌ای یا مداخله‌ای در میان زوجین و خانواده‌های ایرانی است تا روشن شود هریک از مؤلفه‌های یادشده چگونه و تا چه اندازه با شاخص‌هایی مانند رضایت زناشویی، کیفیت ارتباط، احساس امنیت روانی و کاهش تعارض ارتباط دارند.

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. برقی، احمد بن محمد بن خالد. (۱۳۷۱ق). المحاسن. تحقیق جلال‌الدین محدث. قم: دار الکتب الإسلامية.

۲. پاک‌خصال، اعظم؛ سیف‌اللهی، سیف‌الله؛ میرزائی، خلیل. (۱۳۹۹). بررسی رابطه احساس

- تنهایی، حمایت ادراک شده و رضایت زناشویی با استفاده از شبکه‌های مجازی در بین زوجین تهران. مطالعات راهبردی زنان. ۲۲ (۸۷)، ص ۱۵۱-۱۷۳.
<https://doi.org/10.22095/jwss.2020.199937.2102>
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (۱۴۱۰ق). غرر الحکم ودرر الکلم. تصحیح سیدمهدی رجائی. چ ۲. قم: دارالکتاب اسلامی.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل‌البيت (ع) لإحياء التراث.
۵. حزانى، ابن شعبه ابومحمد الحسن بن علی بن الحسین. (۱۴۰۴ق). تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليه وسلم. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری. چ ۲. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المشرفة.
۶. رحیمی، مهدی؛ یوسفی، فریده. (۱۳۸۹). نقش الگوهای ارتباطی خانواده در همدلی و خویش‌ن داری فرزندان. فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۶ (۴). ص ۴۳۳-۴۵۲.
۷. ساعی، منصور. (۱۴۰۱). تحلیل عوامل و پیامدهای شکاف ارتباطی و گفتگویی بین نسل‌ها در خانواده. نشریه رسانه و فرهنگ. ۱۲ (۲). ص ۹۵-۱۲۰.
۸. سلطانی، زهرا؛ حسنوند، محمدباقر. (۱۴۰۴). اثربخشی آموزش مهارت‌های کلامی آمیخته به معنویت اسلامی در افزایش رضایت زناشویی. نشریه اسلام و روان‌شناسی خانواده. ۱ (۲). ص ۱۰۳-۱۲۶.
۹. شهسوریان، مهرداد؛ بیابانی، غلامحسین؛ مزیدی شرف‌آبادی، علی محمد. (۱۴۰۲). ابداع الگوی ارتباطی با خلق گفتگوهای ابتکاری والدین در خانواده. نشریه ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی. ۱۲ (۴۸). ص ۱۲۳-۱۵۰.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۲. مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ع). بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۳. محمودی، حسین؛ ادیب راد، نسترن؛ زاده محمدی، علی. (۱۳۸۴). بررسی اثر آموزش توجه شنیداری موسیقایی بر میزان گوش دادن فعال و الگوهای ارتباطی زوجین. فصلنامه خانواده‌پژوهی. ۱ (۴). ص ۳۴۷-۳۶۰.
۱۴. نهج البلاغه. (۱۴۱۴ق). گردآوری سید رضی. تحقیق صبحی صالح. قم: هجرت.
۱۵. وزام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی. (۱۴۱۰ق). مجموعة وزام (تنبيه الخواطر ونزهة النواظر). چ ۱.

قم: مکتبه فقیه.

16. Bohm, D. (1996). *On dialogue*. London: Routledge.
17. Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss*, Vol. 1: Attachment. New York: Basic Books.
18. Ditzen, B., Schaer, M., Gabriel, B., Bodenmann, G., Ehler, U. & Heinrichs, M. (2009). Intranasal Oxytocin Increases Positive Communication and Reduces Cortisol Levels during Couple Conflict. *Biological Psychiatry*. 65 (9). P. 728-731.
19. Festinger, L. (1957). *A theory of cognitive dissonance*. Stanford, CA: Stanford University Press.
20. Fowers, B. J., & Olson, D. H. (2010). *The couple checkup: A tool for improving your relationship*. San Francisco: Jossey-Bass.
21. Giddens, A. (1992). *The Transformation of Intimacy: Sexuality, Love and Eroticism in Modern Societies*. Stanford University Press.
22. Gottman, J. M. & Silver, N. (1999). *The Seven Principles for Making Marriage Work*. New York: Three Rivers Press.
23. Gottman, J. M. (2011). *The Science of Trust: Emotional Attunement for Couples*. W. W. Norton & Company.
24. Knoll, M., & van Dick, R. (2013). Do I hear the whistle...? A first attempt to measure four forms of employee silence and their correlates. *Journal of Business Ethics*, 113(2), 345–362.
25. Rogers, C. R. (1951). *Client-centered therapy: Its current practice, implications, and theory*. Boston: Houghton Mifflin.
26. Satir, V. (1972). *Peoplemaking*. Palo Alto, CA: Science and Behavior Books.
27. Turkle, S. (2011). *Alone Together: Why We Expect More from Technology and Less from Each Other*. New York: Basic Books.
28. Watzlawick, P., Bavelas, J. B., & Jackson, D. D. (1967). *Pragmatics of human communication: A study of interactional patterns, pathologies, and paradoxes*. New York, NY: W. W. Norton & Company.